

یک کارشناس ارشد مسائل بین الملل در رابطه با ارزیابی خود از سناریوهای موجود برای رسیدن به توافق هسته‌ای میان ایران و آمریکا و چالش‌های موجود در زمینه میزان غنی سازی اورانیوم در ایران گفت: مذاکرات به هسته سخت خودش رسیده و همان طور که انتظار می‌رفت، وقتی وارد جزئیات فنی می‌شویم، با پیشرفت مذاکرات، پیچیدگی و دشواری بیشتری مواجه خواهیم شد. دو مسأله اصلی در خصوص ایران وجود دارد؛ یکی بحث سرنوشت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد و ۲۰ درصد غنی‌شده و دیگری اینکه چرخه سوخت هسته‌ای در ایران باید چه شکل و شمایل مشخصی پیدا کند. مرتضی مکی گفت: آنچه که از دیپلماسی و تریبون‌ها میان آقای ترامپ، حلقه قد رتمندان سیاسی و امنیتی اطرافش اعلام می‌شود و آنچه که از سوی مقامات ما واکنش نشان داده می‌شود، نشان دهنده مذاکرات چالشی پیش‌رواست. آخرین ادعایی که آقای ترامپ در جریان بازگشت به آمریکا در هوابیما بیان کردند، این است که ایران باید چرخه سوخت هسته‌ای خود را جمع‌آوری کند و هیچ لزومی ندارد که ایران با توجه به داشتن بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز، بخواهد به سمت غنی‌سازی برود. این نشان می‌دهد که نگاه سلطه‌طلبانه همچنان در تلاش است تا دستور کار خود را در موضوع هسته‌ای به ایران تحمیل کند. این کارشناس حوزه سیاست خارجی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران به دنبال تداوم مذاکرات و رفع محدودیت‌هاست و همچنان بر خط قرمز خود در خصوص حفظ چرخه سوخت هسته‌ای تأکید دارد و با طرح این پرسش که آیا این بستنی که در مواضع دو طرف آمریکایی و ایرانی ایجاد شده، راه حلی هم دارد، عنوان کرد: راه حل از سوی ایران و برخی نهادها به صورت غیررسمی اعلام شده است.

آقای سخنانی اعلام کرد که ایران حاضر است کل ذخیره خود را از بین ببرد به شرط اینکه آمریکا هم تحریم‌ها را به صورت فوری لغو کند. از سوی دیگر، گاردین از یک طرح موسوم به تعلیق سه‌ساله برای تولید اورانیوم در ایران خبر داده است که در آن آقای عراقچی پیشنهادی در خصوص تشکیل کنسرسیوم برای غنی‌سازی اورانیوم حتی با مشارکت آمریکا و دولت‌های عربی را مطرح کرده است. این‌ها نشان می‌دهد که به هر حال راهی برای رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و توهمات آمریکایی‌ها نسبت به برنامه‌های هسته‌ای ایران وجود دارد. وی با اشاره به اینکه چندین مسیر مهم وجود دارد ولی اصل این است که کشورهای مختلف باید اراده سیاسی لازم را برای رسیدن به توافق داشته باشند، گفت: به نظر می‌رسد حلقه جنگ طلبان اطراف ترامپ به دنبال تحمیل خواسته‌های خود در برابر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و برچیدن چرخه سوخت هسته‌ای هستند. اما با موارد متناقضی که ترامپ خصوص پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای ایران طی چند هفته گذشته اعلام کرده، سیگنال‌های مثبت رانیايد به یک باره پذیرفت، سیگنال‌های منفی را هم نباید به یکباره پذیرفت. شاید این سیاست آمریکا باشد که با فشار حداکثری و مدیریت تنش برای رسیدن به یک توافق میانه که هم خواسته ایران و هم خواسته‌های آمریکا مورد توجه قرار گرفته باشد، کار را پیش ببرد.

واکنش اروپایی‌ها به توافق

مکی در پاسخ به این پرسش که اظهارات ترامپ چه تأثیری در افکار عمومی ایران ایجاد می‌کند، اظهار کرد: به موازات مذاکرات با آمریکا در خصوص رسیدن به یک راه حل میانه برای برنامه هسته‌ای ایران، یک جنگ روانی و جنگ اقتصادی نیز در جریان است. آمریکایی‌ها با این جنگ روانی و تشدید فشارهای اقتصادی به دنبال پیشبرد دستور کار خود در مذاکرات هستند. نمی‌توان تأثیر این روش مذاکره‌ای آمریکا را در روند مذاکرات نادیده گرفت، اما به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها با حداقل بخشی از حاکمیت این کشور به راه حل دیپلماتیک و گفت‌وگو اشاره دارند. ایران نه حزب... است و نه شرایط یمن را دارد. ایران کشوری با حدود یک میلیون و ۶۴۸ هزار کیلومتر مربع مساحت و توانایی‌های نظامی و اقتصادی بالاست و این‌گونه نیست که بتوان با هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای و با نظامی آن به اهداف آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها دست یافت.

وی با تأکید بر نگاهی که دولتمردان آمریکایی به آن اذعان دارند، بیان کرد: باید از طریق روش‌های مختلفی مانند دیپلماسی و مذاکرات با چهره‌های مختلف در حاکمیت آمریکا، جایگاه این جریان را در فرایند کاخ سفید بررسی کنیم. این تحلیل‌گر روابط بین الملل در خصوص نقش اروپا در مذاکرات هسته‌ای ایران و نشست اخیر ایران با اروپایی‌ها گفت: متأسفانه اروپایی‌ها نقش مثبتی در قبال برنامه هسته‌ای ایران نداشته‌اند. پس از حمله روسیه به اوکراین، اروپایی‌ها رویکرد بسیار تند و منفی و پرتنش در قبال ایران در پیش گرفتند و متأسفانه شاهد نقش مثبتی در جهت تقویت چارچوب گفت‌وگوهای میان ایران و آمریکا نبوده‌ایم. آمریکاهم در این دوره اروپایی‌هایی را نادیده گرفت و مذاکرات دو جانبه‌ای را با ایران تعیین کرده است.

«آرمان ملی» در گفت‌وگو با مهدی مطهرنیا

توسعه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس را بررسی می‌کند

توسعه بادلارهای بادآورده نفتی



تور خاشقچی لکه‌نگ آل سعود است

تنوع سرمایه‌گذاری هدف جدید اعراب خلیج فارس

رضایتمندی اعراب خلیج فارس بدون دموکراسی



هم نداشتند ولی حالا نه تنها خود را به عنوان کشورهای توسعه یافته در منطقه معرفی می‌کنند بلکه همچنان باید شاهد توسعه یافتگی آنها هم باشیم. در این مورد با یکی از پژوهشگران حوزه توسعه گفت‌وگو کرده‌ایم. مهدی مطهرنیا، آینده پژوه و رئیس اندیشکده سیمرغ در این مصاحبه معتقد است اگر چه کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس نتوانستند به فاکتورهای دموکراسی برسند بلکه نتوانستند رضایت‌مندی را در بین جامعه‌ها گسترش دهند و همچنین خودشان را به شهروندان پاسخگو کنند. در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

قطر. باید به ماجرای اعراب و اسرائیل به‌ویژه به امارات که با چارچ سبز آمریکا در جریان است هم اشاره کنیم.

بسیاری از منتقدان معتقدند که به دلیل عدم توجه به توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی در این کشورها با چالش روبه‌رو خواهد شد، همچنین نگرانی‌ها در مورد مسائل حقوق بشری هم وجود دارد، در این مورد بفرمایید.

فلاان سیاسی بنام و آشنا در این کشورها حضور ندارند تا در چارچوبی فکری و در مسیر توسعه سیاسی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بخواهند فعالیت داشته باشند. هرکسی که با خاندان حاکم این کشورها مخالفت می‌کند را نمی‌توان دموکراسی‌خواه و آزادی‌خواه بنامیم بسیاری از آنها رقبای اصلی خاندان حاکم محسوب می‌شوند که برای جایگزینی خود در یک نبرد قبیله‌ای حضور دارند. مثلاً خاندان بن‌لادن که مخالف آل سعودند و در پی گرفتن جایگاه و قدرت سعودی‌ها هستند و اسامه، رهبر القاعده یکی از اعضای این خانواده بود. توجه داشته باشید که هرگز نمی‌توان رویکردهای آزادی‌طلبانه و آزادی‌خواهانه به معنای مدرن امروز را در رفتارها و تفکرات آنها جایی داد.

در این مورد آنها قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد را در کارنامه دارند

درست است و باید بگویم که یکی از بحران‌های مهم و لکه‌نگی که همچنان در کارنامه آل سعود باقی خواهد ماند ترور خاشقچی است که البته محمد بن سلمان با درایت توانست از کنترش عبور کند در حالی که بسیاری از کشورهای منطقه و غربی به این موضوع اعتراض کردند و بر آن تاختند اما او توانست با خونسردی از این بحران عبور کند ولی عربستان هرگز نمی‌تواند جوابگوی آن ترور باشد. در مجموع خاندان‌های مختلف با سیاست‌های توسعه‌گر، در خدمت مردم بودن و ایجاد موانع قابل قبول در سوءاستفاده از این ثروت در مسیر توسعه کشورها با توجه به بافت جمعیتی نتوانسته‌اند این رضایت عمومی را ایجاد کنند. دموکراسی بر ۲ اصل رضایتمندی شهروندان و مسئولیت‌پذیری حکام، خود را به نمایش می‌گذارد و وقتی اکثریت رضایت دارند و حکام در برابر جامعه مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشند دموکراسی در عمل خود را نشان می‌دهد. توجه داشته باشید که دموکراسی تنها با برگزاری انتخابات و تبلیغات انتخاباتی در جوامع ایجاد نمی‌شود. انتخابات آبرازی است که تنها در مسیر درست می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد. در کشورهایی مانند حاشیه جنوبی خلیج فارس با توجه به اینکه دموکراسی وجود ندارد ولی در مقابل می‌بینیم هم از درصد قابل توجهی فاه برخوردارند و هم مسئولان پاسخگویی دارند. به‌هروزی اگر بخواهیم با ذره‌بین عملکرد هر حکمرانی را بررسی کنیم قطعاً چالش‌هایی را مشاهده می‌کنیم که حکمران‌های این کشورها بر این دایره خارج نیستند. اما انصافاً باید گفت با تکیه بر دلارهای نفتی بادآورده و تدابیر حکومتی در مستقل کردن اقتصاد از این دلارها موفق بوده‌اند.

توسعه کشورهای حاشیه خلیج فارس از سال ۱۹۳۰ با کشف نفت جدی شد و از ۱۹۷۰ با حضور شرکت‌های نفتی در منطقه، تغییرات عمده اقتصادی را مشاهده می‌کنیم و این آغاز مدرن‌سازی تدریجی محسوب می‌شود

پروژه‌های بلندپروازانه کشورهای عربی بعد از سال ۲۰۰۰ شروع شد. حضور نئون در عربستان و اکسپو در دبی و سرمایه‌گذاری روی هوش مصنوعی و هوافضا را در این سال‌ها می‌توانیم ببینیم

که اکنون شاهد مرحله چهارم هستیم به دنبال تعریف جدیدی در جایگاه جهانی هستند و همچنین تنوع در سرمایه‌گذاری را در دستور کار قرار داده‌اند. پروژه‌های بلندپروازانه کشورهای عربی از بعد سال ۲۰۰۰ شروع شد. حضور نئون در عربستان و اکسپو در دبی و سرمایه‌گذاری روی هوش مصنوعی و هوافضا را در این سال‌ها می‌توانیم ببینیم. به‌هر تقدیر آنها نتوانستند فراتر از حوزه انرژی وارد عرصه اقتصاد شوند.

چه موارد دیگری در این زمینه توانست به آنها کمک کند؟

نکته بعدی به موضوع جمعیت این کشورها باز می‌گردد که بسیار اندک هستند و سرانه درآمدی بسیار بالا باعث شده تا روند توسعه یافتگی سرعت بیشتری داشته باشد. حتی جمعیت بومی در این کشورها بسیار کمتر از برخی جوامع همسایه است. همانطوری که اشاره کردم این مورد می‌تواند سرعت ارائه خدمات عمومی، بهتر و موثرتر کند. همچنین باید اشاره کنیم که کشورهای عربی ثروت به دست آمده را در مسیر خدمات عمومی به‌صورت دقیق و شفاف هزینه کردند. این مورد کمک کرد تا اگر نتوانستند دموکراسی قابل اتکایی را به وجود بیاورند، ولی مردم را به رضایت حداکثری رساندند.

آنها اکنون مدعی تنوع در سرمایه‌گذاری هستند در این حوزه چه روندی را دنبال می‌کنند؟

در واقع عامل بعدی را می‌توانیم سرمایه‌گذاری و تنوع اقتصادی بنامیم. به هر تقدیر کاهش وابستگی به نفت نیز مورد توجه این کشورها قرار دارد چرا که با توجه به رشد و توسعه ملی که در دستور کار دارند و نگرش‌های آینده اندیشه‌انه‌ای که مورد توجه قرار داده‌اند، آغاز تلاشی را می‌بینیم که رفته‌رفته خودشان را از سرمایه‌های نفتی جدا خواهند کرد. زمانی که در ایران سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ را نوشتند آنها هم چشم‌انداز ۲۰۴۰ عربستان و امارات دیجیتال را تصویب کردند و حالا می‌بینیم که آنها تا اینجا ی کار به آن عمل کردند و کشور خود را در مسیر توسعه قرار دادند ولی ما در وضعیت ۱۴۰۴ می‌توانیم آنچه را که قرار بود انجام شود را راستی‌آزمایی کنیم. آنها در کنار ایجاد مناطق آزاد تجاری و سرمایه‌گذاری در گردشگری، سرمایه‌گذاری روی منابع تجدیدپذیر از جمله مواردی است که برای ایجاد تنوع اقتصادی بازتعریف کرده‌اند.

آنها توانسته‌اند روابط بین‌المللی مناسبی را ایجاد کنند. این مورد چقدر توانسته مهم و تأثیرگذار باشد؟

درست است، زیرا عامل دیگر به نقش دولت‌های خارجی باز می‌گردد و نمی‌توانیم حمایت‌های آمریکا و اروپا را به دلیل امنیت ژئوپولیتیک خلیج فارس نادیده بگیریم. به‌هروزی منطقه بسیار حساسی از نظر ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک محسوب می‌شود زیرا حالا آنچه ژئوپلیتیک نام داشت تنها به جغرافیای محل مورد نظر باز نمی‌گردد بلکه کدواژه‌های اقتصادی، کدواژه‌های سیاسی و... را در بر دارد. این امر موجب شده که انتقال دانش فناوری و نظامی از غرب به امارات و عربستان با سرعت انجام شود و همچنین

کشورهای عربی ثروت به دست آمده را در مسیر خدمات عمومی به‌صورت دقیق و شفاف هزینه کردند. این مورد کمک کرد تا اگر نتوانستند دموکراسی قابل اتکایی را به وجود بیاورند، ولی مردم را به رضایت حداکثری رساندند

توافقی برد- برد با اعراب

دستاوردهای اقتصادی و دیپلماتیک ترامپ

در سفر به خاورمیانه

سفر دونالد ترامپ به خاورمیانه، که از ۲۲ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ در سه کشور عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی انجام شد، نقطه عطفی در سیاست خارجی دوره دوم او بود. این سفر، که با استقبال باشکوهی از جمله نمایش فرش بنفش سلطنتی در ریاض و اسکورت جت‌های سعودی همراه بود، نه تنها بر قراردادهای اقتصادی عظیم متمرکز بود، بلکه پیام‌های استراتژیک برای منطقه و جهان داشت. تحلیلگران آمریکایی و عربی، این سفر را از منظر اقتصادی، دیپلماتیک و ژئوپلیتیک بررسی کرده‌اند و آن را ترکیبی از معامله‌گری، نمایش قدرت و تلاش برای بازسازی جایگاه آمریکا در خاورمیانه می‌دانند. دستاوردهای اقتصادی، دیپلماتیک و ژئوپلیتیک سفر، به صورت معناداری به هم متصل هستند. قراردادهای اقتصادی، مانند ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری سعودی، نه تنها منافع اقتصادی آمریکا را تأمین کرد، بلکه اهرمی برای تقویت ائتلاف‌های دیپلماتیک با کشورهای خلیج فارس بود. رفع تحریم‌های سوریه و دیدار با احمد الشرع، بخشی از استراتژی استفاده از نفوذ عربستان برای بازسازی روابط با دمشق و کاهش نفوذ ایران بود. توافقات فناوری با امارات و عربستان، در کنار فشار بر ایران، تلاشی برای محدود کردن نفوذ چین در خاورمیانه بود. چه آنکه نیویورک تایمز در تحلیلی نوشت که این ترکیب، نشان دهنده «دیپلماسی معامله‌محور» است که اقتصاد را به اهرمی برای اهداف ژئوپلیتیک تبدیل می‌کند.

دستاوردهای اقتصادی

این قراردادها، که مجموعه بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار ارزش دارند، نشان دهنده تمرکز ترامپ بر «دیپلماسی معامله‌محور» است. تحلیلگران آمریکایی، مانند استیون کوک از شورای روابط خارجی، معتقدند که این قراردادها، اولویت اقتصادی «آمریکا اول» را تقویت کرده و به کاهش کسری تجاری آمریکا کمک می‌کند. تحلیلگران عربی، مانند فراس مقصاد از گروه اوراسیا نیز این قراردادها را نشانه‌ای از اعتماد کشورهای خلیج فارس به سیاست خارجی معامله‌محور ترامپ می‌دانند، اما هشدار می‌دهند که وابستگی به نفت و تسلیحات، تنوع اقتصادی منطقه را محدود می‌کند. قراردادهای بزرگ تجاری شامل سه مواردی بودند؟ ترامپ در ریاض، در تاریخ ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، قراردادهای اقتصادی به ارزش ۶۰۰ میلیارد دلار با عربستان سعودی امضا کرد که شامل ۱۴۲ میلیارد دلار قرارداد تسلیحاتی بود. کاخ سفید اعلام کرد که این قراردادها، بزرگ‌ترین توافق همکاری دفاعی در تاریخ روابط دو کشور است. نیویورک تایمز نیز گزارش داد که این قراردادها، شامل فروش موشک، رادار و هواپیماهای تیرازی است و شرکت‌های آمریکایی مانند لاکهید مارتین و بوئینگ از ذی‌نفعان اصلی آن هستند. ناظران سیاسی این قراردادها را «تضمینی برای ثبات خلیج فارس» خواندند و معتقدند سرمایه‌گذاری‌های سعودی در بخش‌های انرژی، فناوری و زیرساخت، به ایجاد ۴۵۰ هزار شغل در آمریکا کمک خواهد کرد. ترامپ در دوحه نیز، توافقی به ارزش ۹۶ میلیارد دلار برای خرید ۲۱۰ جت بوئینگ توسط قطر اعلام کرد، اگرچه اودر سخنرانی خود این رقم را به اشتباه ۲۰۰ میلیارد دلار ذکر کرد. سی‌ان‌ان گزارش داد که این قرارداد، پس از مشکلات بوئینگ در سال ۲۰۲۴ (مانند حادثه ۲۲۷ مکزکس)، نقطه عطفی برای این شرکت بود. الشرق الأوسط نوشت که این توافق، نشانه اعتماد قطر به روابط بلندمدت با آمریکا است. چه‌ا‌نکه تحلیلگر قطری، عبدالخالق عبدا... نیز آن را «گامی برای تقویت همکاری نظامی و اقتصادی» توصیف کرد و افزود که این قرارداد، جایگاه قطر به‌عنوان میزبان بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه را تقویت می‌کند. همچنین ترامپ در ابوظبی، توافقی برای ارسال صدها هزار تراشه پیشرفته انویدیا به شرکت G4۲ امارات اعلام کرد. در همین راستا واشنگتن پست گزارش داد که این توافق، بخشی از لغو محدودیت‌های صادراتی دولت بایدن بر تراشه‌های هوش مصنوعی است و امارات را به یکی از مراکز اصلی هوش مصنوعی در جهان تبدیل می‌کند.

دستاوردهای دیپلماتیک

دستاوردهای دیپلماتیک ترامپ در سفر به کشورهای عربی، نشان دهنده تلاش ترامپ برای بازسازی روابط با متحدان عربی و استفاده از آنها به عنوان میانجی در بحران‌های منطقه‌ای است. تحلیلگران آمریکایی معتقدند که این اقدامات، جایگاه آمریکا را در برابر رقبای جهانی مانند چین تقویت می‌کند. تحلیلگران عربی هم مانند عبدالخالق عبدا... (الشرق الأوسط) نیز، این دیپلماسی را نشانه‌ای از بازگشت اعتماد به روابط آمریکا-خلیج فارس می‌دانند، اما نسبت به عدم پیشرفت در مسئله فلسطین هشدار می‌دهند. اما این دستاوردها شامل چه محورهایی بودند؟ ترامپ در ریاض، در ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، اعلام کرد که تحریم‌های آمریکا علیه سوریه پس از سقوط رژیم بشار اسد لغو خواهد شد. او همچنین با احمد الشرع رئیس‌جمهور جدید سوریه، دیدار کرد که اولین دیدار یک رئیس‌جمهور آمریکا با یک رهبر سوری در ۲۵ سال گذشته بود. چه آنکه سی‌ان‌ان گزارش داد که این اقدام، تلاشی برای بازسازی روابط با دمشق و تقویت نفوذ آمریکا در برابر روسیه و ایران است. العربیه هم این دیدار را «تاریخی» خواند. آنچنان‌که تحلیلگر سعودی، عبدالرحمن الراشد نیز، آن را نشانه‌ای از نقش میانجی‌گرانه عربستان در مسائل منطقه‌ای ارزیابی کرد. در همین راستا تلاش سوریه در بیانه‌های اعلام کرد که این دیدار، بر «بازسازی و حمایت از سوریه» متمرکز بود. ترامپ در دوحه، در ۲۴ اردیبهشت، با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، دیدار کرد و از نقش قطر در میانجی‌گری در مذاکرات اسرائیل-حما‌ات اسرائیلی-گروگان‌ها ستایش کرد. ترامپ در ریاض، در دیدار با رهبران شورای همکاری خلیج فارس، خواستار پیوستن عربستان به توافق ابراهیم شد، اما تأکید کرد که این موضوع به پیشرفت در مسئله فلسطین بستگی دارد. در این راستا نیویورک تایمز نوشت که عربستان، برخلاف دوره بایدن، دیگر عادی‌سازی با اسرائیل را به برنامه هسته‌ای خود گره نزده، اما همچنان خواستار راه‌حل دو‌کشوری است.